



شرح فلسفه‌ای که حکیم را موحد می‌کند / رهبر انقلاب؛ بزرگترین حامی علوم عقلی

آیت‌الله جوادی آملی با بیان اینکه بعد از انقلاب و به خصوص رهبر معظم انقلاب بیشترین حمایت را از علوم عقلی دارند، گفت: علامه طباطبایی را نمی‌شود با بیان اینکه بعد از انقلاب و به خصوص رهبر معظم انقلاب بیشترین حمایت را از علوم عقلی دارند، گفت: علامه طباطبایی را نمی‌شود ...

آیت‌الله جوادی آملی با بیان اینکه بعد از انقلاب و به خصوص رهبر معظم انقلاب بیشترین حمایت را از علوم عقلی دارند، گفت: علامه طباطبایی را نمی‌شود با درس اسفار شناخت، بلکه او را باید در جلسات خصوصی می‌شناختیم. ملاصدرا تعبیر «الانسان موجود» را دارد که ریشه در تعبیر «العقل موجود» میرداماد است؛ این نوع فلسفه حکیم را موحد می‌کند، زیرا آنها انسان و عقل را موجود و ناشی از فیض الهی می‌دانند.

رهبر انقلاب بزرگترین حامی علوم عقلی هستند/ لزوم مباحثه درباره فلسفه فارابی و بوعلیه گزارش ایکن، آیت‌الله العظمی جوادی آملی، امروز، ۲۹ آبان ماه، در یازدهمین گردهمایی اساتید عقلی که به مناسبت ایام بزرگداشت علامه طباطبایی(ره) در مؤسسه اسراء قم برگزار شد، گفت: در هیچ عصر و مصری علوم عقلی و علوم اسلامی مورد حمایت نبود و به خصوص علوم عقلی مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت؛ در دوره‌هایی که حکومت با علوم عقلی همراه شد، مردان بزرگی رشد کردند؛ اگر حکومت بغداد محور علوم عقلی در دوره صادقین(ع) و امام کاظم(ع) شد، زیرا این ائمه(ع) شاگردان خود را با براهین عقلی تربیت کردند.

وی افزود: مرحوم مجلسی در بحارالانوار در خلال مذاکرات علمی امام صادق(ع) نقل کرده است که امام صادق(ع) فرمود: ارسطو چنین گفته است؛ این حرمت نهادن به یک حکیم یونانی است؛ استاد ما علامه شعرانی در شرح اصول کافی ملاصالح همین مطلب را نقل کرده و در عین حال آورده است که ارسطو کجا و امام صادق(ع) کجا و این فخر ارسطوست که نامش بر زبان امام صادق(ع) جاری شده است.

مفسر قرآن کریم بیان کرد: این میزبانی ائمه(ع) از علوم عقلی سبب شد تا هیچ کجا از ترجمه آثار عقلی به عربی نهی نکرده‌اند، ضمن اینکه شاگردان خود را هم در این مسیر تربیت کردند؛ کندی در عراق فیلسوف عرب بود و شاگردانی داشت، ولی هیچ وقت ندیده‌ایم که ائمه(ع) آنها را مورد بی‌مهری قرار دهند. در دوره صفویه هم چون انس نسبت به علوم عقلی و نقلی از سوی دولت صفویه نشان دادند، شیخ بهایی، ملاصدرا و ... پیدا شد؛ امروز که حوزه قم از نجف و اصفهان بالاتر است، چه نعمتی بالاتر از این، اگر الان انجام وظیفه نکنیم، هیچ عذری نداریم. تجلیل از رهبر معظم انقلاب

این مرجع تقلید با بیان اینکه چه زمانی رهبری سراغ داشتیم که این طور از علوم عقلی و فلسفه حمایت کند، اظهار کرد: الان مشغول درس و بحث فلاسفه هستیم که لازم است، ولی کافی نیست؛ اینکه فلسفه چیست؟ پیشنهاد من این است که وقتی یکی دو دوره درسی را تدریس کردید، رها کرده و آثار فارابی و کندی را مورد مباحثه قرار دهید و برخی دروس را به شاگردان خود واگذارید؛ کندی می‌گوید که «فلسفه معرفة الانسان نفساً» است، اینکه من از کجا آمدم، کجا می‌خواهم بروم و با چه وضعی می‌خواهم بروم؛ دنیا برای انسان کوچک است چه رسد به اینکه در دنیا رفتار و حرف‌های ناجور هم داشته باشد.

این مفسر قرآن کریم تصریح کرد: برخی بزرگان روی فلسفه فارابی کار کنند که چگونه او فارابی شد، در حالی که کندی در عرب در آن دوره بود و قبل از او هم فحلی مانند ابن سینا وجود داشت. روی فلسفه بوعلی که نه استاد داشت و نه شاگرد و مشکلات منطق و مسائل عمیق فلسفه را خودش حل کرد و شاگردانی تربیت کرد، ولی هیچ کدام در تراز او نبودند، کار کنند؛ این چه هوشی بود.

آیت‌الله جوادی آملی تصریح کرد: هرگز کتابی را بیش از دوبرار تدریس نکنید؛ مرحوم آیت‌الله غروی را خدا رحمت کند؛ در آمل برخی یک کتاب را ۴ بار و ۵ بار تدریس می‌کردند، ایشان کتابی را بیش از دو بار تدریس نمی‌کرد و ما هم بعد از آن تا کتابی بالاتر بود، بیش از دوبرار و سه بار تدریس نکردیم؛ لذا آیت‌الله غروی قوانین را چون دو دوره قبل گفته بود، برای ما نگفت و از ادامه آن شروع کرد.

این مفسر قرآن تصریح کرد: علامه طباطبایی را با درس اسفار نمی‌شود، شناخت، در جلسات خصوصی باید او را می‌شناختیم؛ آقا علی حکیم فرمایش دارند که تقابل غنا و فقر عدم و ملکه و تقابل اعمی و بصر نسبت به انسان عدم و

ملکه نیست؛ زیرا در مورد آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (۱۵ فاطر)؛ آیا انسان قابلیت غنا دارد و به فعلیت نرسیده است؟ پس تقابل فقر و غنا، تضاد و تناقض است؛ انسان فقیر بالفعل است و اگر قابلیت غنا هم نداشته باشد چه می شود؟ من این پرسش را از علامه در جلسه خصوصی کردم و او فرمود که حق با آقاعلی است. فلسفه موحدساز

وی با بیان اینکه حاج آقا ضیاء آملی، تفسیر و حدیث را به عنوان درس رسمی در آمل تدریس کردند تا هم درس حوزوی و هم تفسیر باشد، افزود: امروز ارتباط ما با حکمت صدرایی تقریباً رسمی است؛ او تعبیر «الانسان موجود» را دارد؛ میرداماد گفته «العقل موجود» ریشه این حرف ملاصدرا در سخنان میرداماد است؛ این نوع فلسفه حکیم را موحد می کند؛ زیرا آنها انسان و عقل را موجود و ناشی از فیض الهی می دانند؛ این با بیان نورانی امام علی(ع) در نهج البلاغه روشن تر می شود؛ ایشان بعد از نقل مسائل توحیدی تعبیر «المسکین رسول الله» را دارند؛ برخی در این تعبیر تصور کرده اند که یکی از ویژگی های پیامبر مسکین بودن است در حالی که حضرت علی(ع) در صدد بیان این است که فقری که در خانه شما آمده، خدا او را فرستاده است؛ یعنی مسکین رسول و فرستاده خداست.

این مفسر و مرجع تقلید اضافه کرد: فلسفه این نیست که فقط در مبتدا و خبر العقل موجود بحث کنیم؛ اگر گفتیم الانسان موجود یعنی هستی به این صورت ظهور کرده و یا العقل موجود یعنی هستی است که به این صورت بروز و ظهور کرده، این تعبیر بار معنوی و علمی دارد؛ المسکین رسول الله هم اختصاص به رسول الهی مسکین ندارد، بلکه غنی هم فرستاده خداست و هر کسی نیازی به دیگری ببرد، مایه امتحان الهی است؛ این نوع دید فلسفی، علامه طباطبایی درست می کند. کسی که جزء خدا نیندیشید و عاقلانه زندگی کرد؛ او که حرم کریمه اهل بیت(ع) می رفت و افطارش بوسه بر حرم بود.

استاد برجسته حوزه علمیه اظهار کرد: برخی اقسام حکمت است که مشاء را نجات داد؛ حکمت متعالیه تنها اصالت وجود و ... را حل نکرد، بلکه فلسفه مشاء را نجات و اصل فلسفه را رهایی بخشید. قاعده الواحد قاعده ای است که فخررازی آن را به چالش کشید، ولی ملاصدرا هم به فخررازی پاسخ داد و هم مشکل فلسفه را حل کرد؛ اینکه انسان موظف است استاد و پدر و مادر خود را تکریم و به فقیر و مسکین کمک کند، ولی بدانند اینها از جای دیگر آمده اند و فرستاده خدا هستند؛ این باور می شود توحید.